

نگاهی به موسوعة الامام الرضا علیه السلام - محمود ملکی تراکمه‌ای

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۴۰ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۴۳ - ۱۶۱

نگاهی به موسوعة الامام الرضا علیه السلام^۱

محمود ملکی تراکمه‌ای *

چکیده: این گفتار، مروری و نقدی بر کتاب موسوعة الامام الرضا علیه السلام است که به سرپرستی سید محمد حسینی قزوینی در هشت جلد منتشر شده است. نویسنده در آغاز گفتار خود، ابتدا بیست کتاب دانشمندان سده‌های دوم و سوم از سخنان امام رضا علیه السلام گرد آورده‌اند، نام می‌برد. و بعد از آن هشت کتاب از دانشمندان سده‌های چهارم تا کنون در این موضوع یاد می‌کند. شیوه نگارش، ساختار کتاب، و پس از آن یازده نقد بر کتاب در ادامه گفتار آمده است.

کلیدواژه‌ها: موسوعة الامام الرضا علیه السلام ° معرفی و نقد / امام رضا علیه السلام ° منابع مکتوب / امام رضا علیه السلام ° سخنان / حسینی قزوینی ° سید محمد.

۱. جا دارد در اینجا از فاضل گرانمایه آقای محسن صادقی که انگیزه نوشتن این متن از ایشان است، و نیز ب. دلیل نکته سنجی‌هایی که پدآور شدند قدر دانی کنم.

*. دانشجوی دکتری علوم حدیث تطبیقی دان. بگه قرن و حدیث.

موسوعه امام رضا علیه السلام (تألیف زیر نظر سید محمد حسینی قزوینی ° انتشارات مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر عجل الله فرجه) جامع ترین اثری است که سخنان امام رضا علیه السلام را در هشت جلد به ترتیب موضوعی گردآورده است. نگارنده در این مقاله در آغاز به معرفی و روش کار محققان موسوعه امام رضا علیه السلام پرداخته، ویژگیهای آن را برشمرده است. بخش دوم این نوشتار به کاستیهای فنی و محتوایی این اثر پرداخته است.

در آمد

گردآوری و نگارش سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام سیره معمول در میان یاران آنان بوده است. این سیره که مورد تأیید خود آن بزرگان نیز بوده از قرن اول هجری و با سفارشهای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام رواج یافت. سبکهای مختلفی میان صاحبان این کتابها رواج داشته است، از جمله گردآوری احادیث یکی از معصومان. در این شیوه، تبویب آن اثر هم در همان محدوده سخنان آن امام صورت می گرفت.

در این میان سخنان حضرت رضا علیه السلام (م ۲۰۳) نیز به تبع مورد توجه دانشیان و یاران ایشان قرار گرفت. پیشینه جمع و تألیف سخنان حضرت به زمان خود ایشان بر می گردد و حتی گاه مطلبی را خود حضرت نوشته اند. در اینجا نخستین نگارشها را از آغاز تا کنون به ترتیب زمان مرور می کنیم تا تاریخچه ای از آن در دست داشته باشیم.

۱- صحیفه الرضا علیه السلام

این کتاب که مسند الرضا علیه السلام هم نامیده شده، مجموعه روایاتی است که امام از پدرانشان و ایشان از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند. این مسند را چندی از یاران امام که مشهورترینشان احمد بن عامر طایبی است، روایت کرده اند. (نجاشی، ص ۱۰۰). داوود بن سلیمان غازی نیز از راویان این صحیفه به شمار است. (نجاشی، ص ۱۶۱)

۱. برای آشنایی بیشتر با چاپها و سایر روایا. این مسند، بنگرید: تدوین السنة الشریفه، ص ۷۷۷؛ و مقدمه این مسند به تحقیق مدرسه امام مهدی علیه السلام.

۲- رساله ذهبیه یا مذهبیه

رساله‌ای است شامل سفارشهای پزشکی که امام رضا علیه السلام آن را برای مأمون نوشته‌اند. (طوسی، ص ۴۱۳؛ آقابزرگ تهرانی، ج ۱۰، ص ۴۶)

۳- امالی امام رضا علیه السلام

این امالی را علی خزاعی، برادر دعبل روایت کرده است. (نجاشی، ص ۲۷۶، ش ۷۲۷)

۴- امالی امام رضا علیه السلام

این امالی را فضل بن شاذان از امام روایت کرده است. این کتاب به عنوان العلل (آقابزرگ تهرانی، ج ۱۵، ص ۳۱۲) نیز شناخته شده و شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه (ج ۱، ص ۲۹۹، ۳۱۰، ۴۵۴، ۵۲۲، ۵۴۱، و ج ۴، ص ۴۵۷) بخش‌هایی از آن و در علل الشرائع (ج ۱، ص ۲۵۱) متن آن را نقل کرده است.

۵- اهل‌بیت

کتابی است منسوب به حضرت رضا علیه السلام و شامل مباحثی در علم کلام. (میز، ج ۱، ص ۱۰۲، و ص ۱۳۳)

۶- مجالس امام رضا علیه السلام با اهل‌ادیان

این کتاب را حسین بن محمد، ابو محمد هاشمی، تصنیف کرده است. (نجاشی، ص ۵۶، ش ۱۳۱)

۷- کتابی که موسی بن سلّمه آن را از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. (همان، ص ۴۰۹، ش ۱۰۹۰)

۸- کتابی که وریزّه بن محمد غسانی آن را در سال ۱۹۰ هـ از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. (همان، ص ۴۳۲، ش ۱۱۶۳)

۹- کتاب علی بن مهدی بن صدقه رقی انصاری که از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است. (همان، ص ۲۷۷، ش ۷۲۸)

- ۱۰- نسخه‌ای موبوب و کبیر از محمد بن عبدالله لاحقی. وی راوی از امام رضا علیه السلام است. ولی شاید این نسخه را لاحقی از احادیث غیر امام رضا علیه السلام هم گرد آورده باشد. (همان، ص ۳۶۶، ش ۹۹۰)
- ۱۱- نسخه‌ای که محمد بن علی بن حسین بن زید شهید از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. (همان، ص ۳۶۶، ش ۹۹۲)
- ۱۲- نسخه‌ای به روایت عبدالله بن علی بن حسین بن زید شهید. (همان، ص ۲۲۷، ش ۵۹۹)
- ۱۳- نسخه‌ای به روایت عبدالله بن محمد تمیمی رازی. (همان، ص ۲۲۸، ش ۶۰۳)
- ۱۴- نسخه‌ای به روایت عباس بن هلال شامی. (همان، ص ۲۸۲، ص ۷۴۹)
- ۱۵- مسائل از امام علیه السلام به روایت معاویة بن سعید. (همان، ص ۴۱۰، ش ۱۹۰۴)
- ۱۶- مسائل از امام علیه السلام به روایت حسن بن علی بن وشاء. (همان، ص ۳۹، ش ۸۰)
- ۱۷- مسائل از امام علیه السلام به روایت سعد خادم، ابو ذکف عجلی. (همان، ص ۱۷۹، ش ۴۷۱)
- ۱۸- مسائل از امام علیه السلام به روایت صباح بن نصر هندی. (همان، ص ۲۰۲، ش ۵۳۹)
- ۱۹- مسائل از امام علیه السلام به روایت عبدالله بن محمد بن حصین اهوازی. (همان، ص ۲۲۷، ش ۵۹۷)
- ۲۰- مسائل از امام علیه السلام به روایت عیسی بن عبدالله بن سعد اشعری. (همان، ص ۲۹۶، ش ۸۰۵)
- اما آثاری که عالمان پس از عهد حضور امامان علیهم السلام در جمع و تدوین سخنان امام رضا علیه السلام، جداگانه یا در ضمن کتابی، نوشته‌اند چنین‌اند:
- ۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱). صدوق در این کتاب روایات امام رضا علیه السلام را گرد آورده است.

۱. از باب ار شمند تدوین السنة الشریفة (ص ۷۷۷ - ۲۸۲) اثر استاد سید محمد رضا حسینی جلالی به نام این آثار رهنمون شدم.

۲- *مفاخر الرضا* علیه السلام از حاکم نیشابوری (م ۴۰۵). از این کتاب اثری نمانده است جز سه نقل که ابن حمزه طوسی در *الثاقب فی المناقب* از آن آورده است. (ص ۴۸۳، ص ۴۹۶ و ص ۵۴۶) هر چند با نقلهای به جا مانده و نام کتاب، بعید نیست این کتاب را در زمرة مناقب به شمار آوریم. البته حاوی سخنان امام هم بوده است، چنانکه از یکی از نقلها (مان، ص ۵۴۶) روشن می‌شود.

۳- *تحف العقول* از ابن شعبه حرّانی (قرن چهارم/ پنجم). وی در این کتاب، سخنان امامان علیّه السلام جز امام عصر علیه السلام را گرد آورده است. سخنانی نیز از امام رضا علیه السلام در این کتاب آمده است. (ص ۴۱۵ ° ۴۵۰)

۴- *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار* از علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰). این کتاب هر چند تبویب موضوعی دارد و سخنان هر امام در موضوع مرتبط جای گرفته است اما علامه در کتاب الروضه که از هر امام مواعظ و کوتاه سخنانی می‌آورد، از امام رضا علیه السلام نیز حکمتهایی نگز آورده است. (ج ۷۵، ص ۳۳۴ ° ۳۵۷)

۵- *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال* از شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی (قرن دوازدهم). چند مجله از این کتاب در تاریخ اهل بیت علیّه السلام است، از جمله جلد ۲۲ که درباره امام رضا علیه السلام است. سخنان آن حضرت در جای جای این کتاب نقل شده است. (رک: ج ۲۲)

۶- *الصحيحة الرضوية الجامعة* از استاد سید محمد باقر ابطحی. این کتاب شامل دعاهای رسیده از امام رضا علیه السلام تا حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف است.^۱

۷- *صحيفة الرضا* علیه السلام از جواد قیومی. این کتاب شامل همه دعاهای امام رضا علیه السلام است.

۱. دعاهای امام رضا علیه السلام از ص ۵۵ تا ۳۳۳ این مجموعه قرار دارد.

۸- مسند الامام الرضا عليه السلام از استاد عزیز الله عطاردی در دو جلد. ایشان، این کتاب را به فارسی نیز برگردانده‌اند که با عنوان اخبار و آثار حضرت امام رضا عليه السلام چاپ شده است.

۹- موسوعة الامام الرضا عليه السلام که در این نوشتار درصدد بررسی برآئیم.

موسوعة الامام الرضا عليه السلام را آقایان مهدی اسماعیلی، سید ابوالفضل طباطبایی، سید محمد موسوی و عبدالله صالحی با اشرف حجة الاسلام سید محمد حسینی قزوینی^۱ در مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نوشته‌اند، و همین مؤسسه آن را منتشر کرده است. سخن آغازین این کتاب از آیت الله خزعلی است. ایشان در صفحه‌های چند، به بیان فضیلت‌هایی از امام عليه السلام، از کتابهای اهل سنت پرداخته است.

پس از آن شیوه کار و برخی ویژگیهای موسوعه آمده است که در اینجا بدانها می‌پردازیم:

شیوه نگارش

شیوه و ویژگیهای موسوعه - بنا بر آنچه از مقدمه و متن آن بر می‌آید- عبارت است از:

۱- تبویب احادیث بر اساس موضوعات. همه حدیث در باب و موضوع ویژه‌اش می‌آید. و اگر از حدیث مطلب دیگری استفاده می‌شود، در پاورقی به آن مطلب و باب مرتبط با آن اشاره و ارجاع داده می‌شود. برای نمونه در عنوان «إنهم^۲ أهل النار» (حسینی

قزوینی، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵) این حدیث آمده است:

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَاءِ عليه السلام فَقَالَ لِي: مَاتَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ، قُلْتُ نَعَمْ، قَالَ: قَدْ دَخَلَ النَّارَ، قَالَ، فَفَزِعْتُ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: أَمَا إِنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْإِمَامِ بَعْدَ مُوسَى أَبِي، فَقَالَ لَا أَعْرِفُ إِمَامًا بَعْدَهُ، فَقِيلَ لَا! فَضُرِبَ فِي قَبْرِهِ ضَرْبَةً اشْتَعَلَ قَبْرُهُ نَارًا. (طوسی-کشی، ص ۴۴۴)

۱. شایان ذکر است که بر جلد کتاب، مشرف آن آیت ابوالقاسم خزعلی قید شده؛ اما در شناسنامه کتاب نام آقای قزوینی به عنوان مشرف آمده است.

۲. یعنی واقفیه.

در پاورقی ذیل حدیث آمده است:

قطعة منه فی (السؤال عن الائمة فی القبر) و (ذم علی بن ابی حمزه)

نیز هر اندازه از حدیث که با باب مرتبط است، در همان باب ذکر می‌شود، و تمام آن در عنوان دیگری می‌آید. نمونه آن حدیثی است که در باب «اهتمامه بطعام ابنه علیه السلام» (حسینی قزوینی، ج ۲، ص ۱۷۵) است. در پاورقی اشاره شده که تمام این حدیث در جلد اول آمده است؛ یعنی در باب «کیفیه ولادته و تکلمه عند ولادته علیه السلام» (همان، ج ۱، ص ۱۶۰، رقم ۱۱۲).^۱ اگر همه آن حدیث در اصل به موضوع خاصی مرتبط باشد، علاوه بر اینکه در همان موضوع می‌آید، جزئیات آن ذیل سایر عناوین ذکر می‌شود. مثلاً حدیثی که متعلق به نماز است ولی نکاتی مرتبط با روزه، زکات و جهاد دارد، تمام حدیث ذیل عنوان «صلاة» و در پاورقی این تذکر می‌آید که بخشی از حدیث در «صوم» و «زکاة» ذکر می‌شود. (همان، ج ۱، ص ۱۴)

۲- اگر حدیثی دارای الفاظی متفاوت و اسانیدی مختلف بود، حدیث از مصدر اقدم و متن اوسع ذکر شده و سایر طریش در پاورقی می‌آید. (همان، ج ۱، ص ۱۴)

۳- اصلاح تصحیفات سند یا متن (همان، ج ۱، ص ۱۴) مثلاً در توضیح سندی این گونه «الحمیری رحمه الله: محمد بن الحسین بن ابی الخطاب قال: اخبرنا احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابی الحسن الرضا علیه السلام» توضیحی چنین آمده است که شیخ حر عاملی و علامه مجلسی در یکی از دو نقل (بحار، ج ۹۶، ص ۹۵، وسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۰، ج ۱۲، ص ۳۵۳) سند را بدین صورت آورده‌اند: «احمد بن محمد بن عیسی عن احمد بن محمد بن ابی نصر» و این سند مربوط به حدیثی دیگر است. (حسینی قزوینی، ج ۲، ص ۱۵۵)؛ اما در تحلیل این سهو، خود سهو کرده‌اند؛ چرا که علامه مجلسی در بحار الانوار سند را صحیح نقل کرده است. و شیخ

۱. در ج ۲، ص ۵۵۵ که به جلد یک ارجاع داده است، رقم به اشتباه ۳۳۳ تایپ شده که صحیح آن ۲۲۲ است.

- حر در وسائل الشیعة هم - از آنجا که حدیثی بسیار نزدیک به این حدیث را شیخ طوسی از احمد بن محمد بن عیسی از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل کرده (ج ۵، ص ۸۰) - سهواً به جای محمد بن الحسین ابی الخطاب، احمد بن محمد بن عیسی نوشته است.
- ۴- توضیح عبارتها و کلمه‌های مشکل با استفاده از مصادر و کتابهای معتبر. (حسینی قزوینی، ج ۱، ص ۱۵)
- ۵- عدم ارزیابی اسناد. (همان، ج ۱، ص ۱۵)
- ۶- ردّ برخی احادیث منتسب به امام رضا علیه السلام. این احادیث در عنوانی به نام «احادیث مشتبیه» ذکر شده است. (همان، ج ۷، ص ۳۲۷)
- ۷- عدم نقل روایات فقهه الرضا علیه السلام؛ چرا که در نسبت آن به امام رضا علیه السلام آرای متفاوتی وجود دارد. (همان، ج ۱، ص ۱۵)
- ۸- صحیفه الرضا علیه السلام و مستدرک آن در این موسوعه آمده است. (همان، ج ۱، ص ۱۵)
- ۹- از آنجا که ترتیب و تبویب بر اساس موضوعات بوده، از آوردن برخی متنهای طولانی مانند رساله ذهبیه به دلیل تطویل پرهیز شده است.
- ۱۰- به دلیل فراوانی احادیثی که متضمن علل احکام و غیر آن هستند، فصلی ویژه این احادیث اختصاص داده شده است.
- ۱۱- نام آنان که مورد مدح یا مذمت امام علیه السلام قرار گرفته‌اند، در خاتمه جای گرفته است. البته قبل از این کتاب، چنین مبحثی در مسند الامام الرضا علیه السلام از آقای عطار دی (ج ۲، ص ۴۲۶-۴۶۳) و عوالم بحرانی (ج ۲۲، ص ۴۳۸-۴۶۳) نیز آمده است.
- ۱۲- سی و یک فهرست دارد. یکی از این فهرست‌ها، مجموع فهرست‌های تفصیلی هر جلد است که در جلد هشتم (ویژه فهرس) تکرار شده است.

ساختار کتاب

موسوعه دارای شصت و دو فصل در نه باب و یک خاتمه است.

باب اول با عنوان «نسبت و حالات امام» در شش فصل است که مولد، اسامی و القاب، شمایل، اقارب، سن و مدت امامت، شهادت و مدفن را دربردارد.

باب دوم با عنوان «فضائل» در شش فصل است: نص بر امامت، مناقب، نشانه‌های امامت، معجزات، زیارت و توسل و آنچه دانشمندان و شاعران در بزرگداشت امام گفته و سروده‌اند.

باب سوم درباره سیره و سنت امام در بردارنده این مباحث است: سیره اجتماعی و حالات امام با خلفای زمان خود است.

باب چهارم سخنان امام در اصول دین در چهار فصل، شامل توحید، نبوت، امامت و معاد و شفاعت است.

باب پنجم که احادیث حضرت در فروع دین است، یعنی: مقدمات فقه، طهارت، نماز و روزه تا حدود، قصاص و دیات. این باب بیست و هفت فصل دارد.

باب ششم درباره قرآن و دعاست.

باب هفتم مواعظ، اشعار، طب، فضایل شیعه و علل احکام و جز آن را، در پنج فصل جا داده است.

باب هشتم در دو فصل، ویژه مکاتبات و احتجاج‌هاست.

باب نهم شامل احادیثی و آثاری است که امام از فرشتگان و پیامبران و امامان پیشین و کسانی مانند ابن عباس روایت می‌کنند. احادیث قدسی نیز در این فصل آمده است. این باب، پنج فصل دارد.

خاتمه نیز شامل چهار فصل با عنوانهای احادیث مشتبهه، ممدوحان و مذمومان، فرقه‌های مختلف، ثقات و شاعران و اصحاب و راویان امام است.

نقد و ارزیابی

موسوعه حاضر با وجود برخی محاسن، کاستیهایی نیز دارد. با بیان این موارد، امیدواریم در چاپ دوم موسوعه، این اشکالات برطرف شده و کتابی در خور و جامع و کم عیب به محضراندیشمندان عرضه شود.

۱- انگیزه و علت تألیف

هر محقق یا مؤلفی باید برای اثر خود دلیلی قانع کننده داشته باشد. مثلاً اگر در آن موضوع پیش از این کاری شده، سبب کارش را متذکر شود تا برای خواننده این سؤال پیش نیاید که چرا دوباره کاری صورت گرفته است. چنانکه گفتیم، مسند الامام الرضا علیه السلام از استاد عزیز الله عطاردی کتابی در همین موضوع است. حال اگر کسی بپرسد با وجود این کتاب، چرا موسوعه امام رضا علیه السلام تألیف شده، محققان این اثر هیچ جوابی برای آن ارایه نکرده‌اند. البته این سخن به معنای جامع نبودن موسوعه نیست؛ چرا که استفاده گسترده موسوعه از منابع اهل سنت، یکی از مزایای آن نسبت به مسند امام رضا علیه السلام است که تقریباً مصادر آن آثار عالمان امامی است. بلکه بدین معناست که باید از کارهای پیشین سخنی گفته می‌شد تا هم تلاشهای آنان یاد شود و هم با بیان تفاوت این کار با آثار سابق، برتری و چرایی تألیف این اثر نمایانده شود.

۲- منابع دست چندم

تا زمانی که منبع اصیل وجود دارد، مراجعه به منابع دست چندم - آن هم برای کاری که قرار است خود مرجع شود - پسندیده نیست. اما این اتفاق در موسوعه افتاده است. در اینجا چند نمونه را یادآور می‌شویم:

نقد و ارزیابی / شماره ۲۰ / پاییز ۱۳۹۲

یک. به جای مراجعه به جامع الاصول ابن اثیر (ج ۱۲، ص ۷۱۵) که چاپ شده و در دسترس است (همان، ج ۱، ص ۲۵ و ص ۳۱) از مناقب اهل البيت علیه السلام شیروانی استفاده شده است. دو. الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم اثر جمال الدین یوسف بن حاتم عاملی شامی است. این کتاب در سال ۱۴۲۰ بوسیله انتشارات جامعه مدرسین منتشر شد. در این موسوعه مطلبی از این کتاب با واسطه کتاب الانوار البہیہ محدث قمی نقل شده است (حسینی قزوینی، ج ۱، ص ۳۲). مطلب مورد اشاره به نقل از الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، ص ۶۷۷ است، حال آنکه الدر النظیم هشت سال پیش از موسوعه چاپ شده است.

سه. اعیان الشیعه کتابی است سترگ، اما مبتنی بر آثار گذشتگان و مصدري دست چندم به شمار می‌رود. مرحوم سید محسن امین، آمدن امام جواد علیه السلام به خراسان را از تاریخ بیہق اثر ابن فندق نقل کرده است؛ لیکن در موسوعه از اعیان نقل کرده‌اند با آنکه تاریخ بیہق بارها چاپ شده است. برای نمونه سال ۱۳۶۱ ش کتابفروشی فروغی برای سومین بار آن را چاپ کرد. نیز در سال ۱۴۲۵ در دمشق به عربی برگردانده شده و در دسترس تاریخ نگاران است.^۱

چهار. برای معرفی «ششتمد» از لغت نامه دهخدا بهره گرفته‌اند (دهخدا، ج ۱، ص ۶۵) با آنکه اگر به خود تاریخ بیہق (ابن فندق، ص ۳۴ ° ۳۶) مراجعه می‌شد، جای دقیق این روستا در زمان ابن فندق با استفاده از آن روشن می‌شد که ششتمد دهی است از توابع ربع زمیج، و زمیج یکی از دوازده ربع ناحیت بیہق بوده است.

۱. برای نمونه آقای رسول جعفریان در حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیه السلام (ص ۴۷۷) همین مطلب را از تاریخ بیہق نقل و نقد کرده است. هر چند قزوینی در تعلیقه بر تاریخ بیہق (ص ۲۹۹) به نحوی آن را پذیرفته است.

پنج. «الْمُنْجِدُ لَا يَنْجِدُ» مثل گونه‌ای است که بر زبان آشنایان به کتابهای لغت عربی رایج است. نقدهای یسری عبدالغنی عبدالله (ص ۲۵۴) وارد بر این کتاب، بیانگر درستی این تعبیر است. وقتی کتابهای پیشین و اصیل لغت در دسترس است، چرا از منبعی متأخر چون المنجد استفاده کنیم؟ برای نمونه برای بیان واژه «راضة» (حسینی قزوینی، ج ۱، ص ۲۷۹) و «أثيرة» (همان، ج ۱، ص ۳۵۶) از المنجد استفاده کرده‌اند.

شش. مفتاح الفلاح شیخ بهایی (م ۱۰۳۰) خود از آثار سابق استفاده کرده است تا چه رسد به تعلیقه مولی اسماعیل خواجهویی (م ۱۱۷۳/۱۱۷۷) بر آن. این تعلیقه چه اعتبار تاریخی دارد که برای اثبات شهادت امام رضا علیه السلام با سمّ بدان استناد شده است؟ (همان، ج ۱، ص ۹۹)

۳- منبع نا متناسب

یک. «عَرِيضُ» نام مکانی است معروف در نزدیکی مدینه. برای شناساندن آن مراجعه به کتابهای مربوط به جغرافیا رواج دارد. اما در موسوعه برای معرفی آن از تاریخ قم بهره گرفته‌اند. (همان، ج ۱، ص ۲۹۲) محققان موسوعه که از مراصد الاطلاع برای برخی مکانها استفاده کرده‌اند، بهتر بود برای معرفی «عریض» هم از این کتاب بهره گیرند.^۱

دو. «الاعوص» نام مکانی است نزدیکی مدینه. محققان موسوعه برای معرفی آن از پاورقی عیون اخبار الرضا علیه السلام استفاده کرده و به صراحت در پاورقی آورده‌اند «هامش العیون» (همان، ج ۱، ص ۳۱۸)، اما بهتر بود کتابهای مربوط به مکانها و شهرها را می‌دیدند. در این صورت، هم از منابع مرتبط و اصیل استفاده می‌کردند و هم می‌دانستند که «الاعوص» صحیح است نه «الاعوض».^۲

۱. در مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع، ج ۲، ص ۹۳۶ «عریض» معرفی شده است.
 ۲. ببینند: معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۳۳؛ معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، ج ۱، ص ۳۳۳.

۴- نیاوردن نام منبع

برای شناساندن «ميسان» نوشته‌اند: «من قری قهستان» (همان، ج ۱، ص ۶۵) و هیچ منبعی نشان نداده‌اند. ظاهراً منبع، مراصد الاطلاع است (بغدادی، ج ۳، ص ۱۲۷۳) چون در پاورقی قبل و بعد از آن، از مراصد الاطلاع استفاده کرده‌اند.

۵- توضیحی ناقص در پاورقی

موضعی در متن آمده است به نام «الصورین». در پاورقی «الصوران موضع بقرب المدینة» شناسانده شده بدون مصدر. و توضیحی هم نداده‌اند که «صوران» تشبیه است و به صورت «الصورین» هم بکار می‌رود.^۱

۶- تطویل، سبب حذف برخی از متون

در موسوعه از رساله ذهبیه و جز آن استفاده نشده است، چرا که سبب تطویل می‌شود (حسینی قزوینی، ج ۱، ص ۱۵)؛ و این با معنای موسوعی بودن سازگاری ندارد. ذهبیه بر اساس چاپ دار النخیم قم و تصحیح محمد مهدی نجف ۶۵ صفحه است. در موسوعه‌ای که در حجم هشت جلد ارائه شده، افزودن این تعداد صفحه چه مشکلی ایجاد می‌کرد؟ برای اینکه به ادعا بسنده نکرده باشیم، دو نمونه از اضافات بی‌حاصل و بی‌فایده را ذکر می‌کنیم:

یک. نام علما در هر حدیثی که از کتاب آن عالم نقل شده، کامل آمده که در مجموع حجمی را از کتاب گرفته است برای مثال در یک صفحه (همان، ج ۱، ص ۸۹) دو بار آمده است: «محمد بن یعقوب الكلینی رحمه الله» یا در جایی «ابن حمزة الطوسی رحمه اله» (همان، ج ۱، ص ۳۱۸) یا «ابوعمر و الکشی رحمه الله» (همان، ج ۱، ص ۳۹۱؛ ج ۲، ص ۲۲۵) یا «ابوعلی الطبرسی رحمه الله» (همان، ج ۱، ص ۲۹). همه اینها را می‌شد با تعبیری کوتاه‌تر آورد.

۱. ببینید: مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع، ج ۲، ص ۸۵۵.

دو طولانی کردن پاورقی به شیوه‌ای غیر فنی. برای نمونه یکی از این پاورقی‌ها را با همان چینش موسوعه می‌آوریم:

الخرائج و الجرائح: ۱/ ۳۴۰ ح ۴، عنه البحار: ۴۹/ ۵۰ ح ۵۰.

كشف الغمّة: ۲/ ۳۰۴ س ۱۰.

الصراط المستقیم: ۲/ ۱۹۵ ح ۳، بتفاوت.

مشارق انوار الیقین: ۹۶ س ۲۰. عنه مدینة المعاجز: ۷/ ۲۳۳ ح ۲۲۸۶.

الثاقب فی المناقب: ۱۸۳ ح ۱۷۰. عنه مدینة المعاجز: ۷/ ۲۴۰ ح ۲۲۹۴.

تقدّم الحديث ايضاً فی (علمه عليه السلام بما فی الضمیر) (همان، ج ۱، ص ۴۳۱)

این پاورقی در شش سطر آمده، حال آنکه می‌شد آن را در چهار سطر جا داد. حال پاورقی‌های هر صفحه را همین گونه حساب کنید تا ببینید چگونه چنین چینشی از پاورقی‌ها بر حجم کتاب افزوده است.

در پاورقی دیگر در همین صفحه این گونه آمده است:

الثاقب فی المناقب: ۴۷۳ ح ۳۹۶.

یأتی الحديث بتمامه فی ج ۲ رقم ۶۸۴. (همان، ج ۱، ص ۴۳۱)

این دو سطر به راحتی در یک سطر جا می‌گیرد.

بنابراین در یک صفحه، دست کم سه سطر از پاورقی‌ها کاسته می‌شود.

۷- عدم استفاده از فقه الرضا عليه السلام

در موسوعه از فقه الرضا عليه السلام استفاده نشده است؛ چرا که عالمان در صحت انتساب آن به امام رضا عليه السلام اختلاف دارند. (همان، ج ۱، ص ۱۵) اگر طولانی بودن را دلیل برای عدم نقل از فقه الرضا می‌آورند، چنانکه در مورد ذهبیه آوردند، شاید موجه‌تر بود تا این که سبب نقل نکردن را اختلاف در صحت نسبت بدانیم؛ چرا که در مقدمه (همان، ج ۱، ص ۱۵) آمده است که متعرض صحت و ضعف احادیث نشده‌اند. طبعاً آرا در مورد احادیث مختلف

است. نیز برخی احادیث «من بلغ» و قاعده تسامح در ادله سنن را قبول دارند. از این رو صحت و ضعف حدیث را برعهده خواننده دارای صلاحیت گذاشته‌اند. اگر به فقه الرضا هم از همین زاویه نگریسته می‌شد آوردن آن هیچ مشکلی نداشت و هر کس - بنابر نظر خاصی که نسبت به آن اتخاذ کرده بود - با احادیث آن تعامل می‌کرد.

۸- اشتباه در نسبت کتاب

یک. العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة اثر رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر حلی برادر علامه حلی است. متأسفانه در چند مورد که از این کتاب استفاده شده، این کتاب را به علامه حلی نسبت داده‌اند؛ البته در فهرس به درستی آمده است. (همان، ج ۸، ص ۳۶۳) دو. فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی النجف از غیاث الدین عبدالکریم بن احمد بن موسی ابن طاوس است. وی فرزند سید احمد استاد علامه حلی و برادرزاده سید علی بن طاوس صاحب آثار متعدد در دعا نگاری است. در موسوعه، این اثر به «السید بن طاوس» نسبت داده‌اند (همان، ج ۱، ص ۱۲۹) و بر اهل فن آشکار است که هرگاه «سید بن طاوس» بدون قرینه‌ای بکار رود، به سید علی انصراف دارد. حتی ذهن به سید احمد هم که شهرتش از سید عبدالکریم فرزندش بیشتر است، منصرف نمی‌شود. مگر اینکه بگوییم خواننده با دیدن پاورقی و ارجاع به فرحة الغری متوجه می‌شود.

۹- سهو در نسبت منبع

در حدیثی که منبع آن امالی شیخ صدوق است نام شیخ طوسی در آغاز آن آمده است. (همان، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹)

۱۰- یک دست نبودن پاورقی

معنای «المِعْوَل» را از المعجم الوسیط بدون ذکر صفحه آورده‌اند. (همان، ج ۱، ص ۳۶۵). ده صفحه بعد معنای همین کلمه را از لسان العرب ذکر کرده‌اند. (همان، ج ۱، ص ۳۷۵) و این نشان از ناهماهنگی در پاورقی‌هاست که بر اساس منسجمی نیست.

۱۱- الوسائل إلى المسائل

متنی بلند شامل ده مناجات با عنوان «الوسائل الی المسائل» را از مصباح کفعمی (همان، ج ۵، ص ۲۸۸) از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند. کامل‌ترین نقل این ادعیه به صورت یکجا (ده تا) در

مهج الدعوات است که آغاز آن چنین است:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَارِثِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي وَكَانَ خَادِمًا لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْجَوَادِ عليه السلام. لَمَّا زَوَّجَ الْمَأْمُونُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام ابْنَتَهُ كَتَبَ إِلَيْهِ أَنْ لِكُلِّ زَوْجَةٍ صَدَاقًا مِنْ مَالٍ زَوْجِهَا وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ أَمْوَالَنَا فِي الْأَخِرَةِ مَوْجِلَةً مَذْخُورَةً هُنَاكَ، كَمَا جَعَلَ أَمْوَالَكُمْ مَعْجَلَةً فِي الدُّنْيَا وَ كَثْرَاهُنَا، وَ قَدْ أَمَهَرْتُ ابْنَتَكَ الْوَسَائِلَ إِلَى الْمَسَائِلِ، وَ هِيَ مَنَاجَاةٌ دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي مُوسَى قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ مُحَمَّدٍ أَبِي قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَبِي قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ الْحُسَيْنِ أَبِي قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ الْحَسَنِ أَخِي قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ص قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: دَفَعَهَا إِلَيَّ جِبْرِئِيلَ عليه السلام قَالَ: يَا مُحَمَّدُ رَبُّ الْعِزَّةِ يَقْرُنُكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ لَكَ: هَذِهِ مَقَاتِيحُ كُنُوزِ الدُّنْيَا وَ الْأَخِرَةِ فَاجْعَلْهَا وَسَائِلَكَ إِلَى مَسَائِلِكَ تَصِلُ إِلَى بَغْيَتِكَ وَ تَنْجِحُ فِي طَلِبَتِكَ، فَلَا تُؤْثِرْهَا فِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا فَتَبْخَسَ بِهَا الْحِظَّ مِنْ آخِرَتِكَ، وَ هِيَ عَشْرُونَ (كَذَا) وَسَائِلُ تُطْرَقُ بِهَا أَبْوَابُ الرَّغَبَاتِ، فَتَفْتَحُ وَ تَطْلُبُ بِهَا الْحَاجَاتِ فَتَنْجِحُ. وَ هَذِهِ نَسَخْتُهَا... (ابن طاووس، ص ۲۵۸)

پس از آن سید هبه الله بن ابی محمد موسوی در المجموع الرائق (ص ۴۲۶) آن را بطور کامل نقل کرد؛ اما در متن آن افتادگی رخ داده است. در المجموع الرائق چنین آمده است:

«لَمَّا زَوَّجَ الْمَأْمُونُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا ابْنَتَهُ» وَ أَشْكَارُ اسْتِ كِهْ اَمِ الْفَضْلِ هَمْسَرِ اِمَامِ جَوَادِ عليه السلام بُوْدَ نِهْ اِمَامِ رِضَا عليه السلام. وَ اَزْ اَيْنِ مَتْنِ، پَسْ اَزْ كَلِمَةِ الْمَأْمُونِ «اَبَا جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ» اِفْتَادَهْ اسْتِ. نِيْزْ دَرِ الْمَجْمُوعِ الرَّائِقِ اَمْدَهْ اسْتِ: «وَ هِيَ مَنَاجَاةٌ دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي مُوسَى» كِهْ

اینجا هم سقطی رخ داده و آن هم افتادگی «دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي قَالَ» پس از کلمه «مناجاة» است.

پس از آن مجلسی در بحار الانوار (ج ۹۱، ص ۱۱۳) به طور کامل آن را از البلد الامین و آن هم از حضرت جواد علیه السلام گزارش کرد، ولی ما هر چه در البلد الامین جستجو کردیم این ادعیه را به طور کامل نیافتیم، جز دعای اول که کفعمی در البلد الامین (ص ۱۶۱) و مصباح (ص ۳۹۳) از امام رضا علیه السلام نقل کرده است. البته دعا‌های نهم و دهم را نیز کفعمی در مصباح (ص ۴۱۵ و ۴۰۰) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است.

محققان موسوعه امام جواد علیه السلام (ج ۲، ص ۴۷۶) که همان محققان موسوعه امام رضا علیه السلام هستند، همین ادعیه را به نقل از مهج الدعوات به امام جواد علیه السلام نسبت داده‌اند که درست هم همین است، زیرا امام این دعاها را مهر ام الفضل قرار داد و این زمانی بود که حضرت رضا علیه السلام به شهادت رسیده بودند.

بنا بر این جز چهار دعا از این ادعیه که به امام رضا علیه السلام نسبت داده شده، سایر دعاها به امام رضا علیه السلام منسوب نیست، مگر اینکه بگوییم امام جواد علیه السلام از پدرشان حضرت رضا علیه السلام روایت کرده‌اند که اگر به چنین مبنایی پایبند شویم، باید همه احادیثی که در اسنادشان نام امامان علیهم السلام به گونه مسلسل آمده، در عداد احادیث ایشان بیاوریم. حتی بر پایه حدیثی از امام صادق که حدیث خود را حدیث پدرانشان می‌داند (کلینی، ج ۱، ص ۵۳)، می‌بایست ما در هر موسوعه‌ای از یک امام، احادیث همه امامان پیشین را بیاوریم.

امید است این نکات در چاپهای بعدی اصلاح شود و بهره‌وری از این کتاب ارزشمند، افزون شود.

منابع

- ابن اثير جزرى، ابوالسعادات مبارک بن محمد. *جامع الاصول فى أحاديث الرسول* (تتمه، قسم التراجم). تحقيق: بشير محمد عيون، بيروت. دار الفكر.
- ابن بابويه، محمد بن على (صدوق). *علل الشرائع*. قم. داورى، ۱۳۸۵.
- _____ . *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، تصحيح: مهدي لاجوردى، تهران: جهان، ۱۳۷۸.
- _____ . *كتاب من لا يحضره الفقيه*. تصحيح: على اكبر غفارى. قم. جامعه مدرسين، ۱۴۱۳.
- ابن حاتم شامى، يوسف. *الدر النظيم فى مناقب الأئمة اللهايم*. قم. جامعه مدرسين، ۱۴۲۰.
- ابن حمزه طوسى، محمد بن على ابن حمزه. *الثائب فى المناقب*. تصحيح: نبيل رضا علوان، قم. انصاريان، ۱۴۱۹.
- ابن طاووس، سيد على بن موسى. *مهج الدعوات و منهج العبادات*. تصحيح: ابوطالب كرماني و محمد حسن محرر. قم. دارالذخائر، ۱۴۱۱.
- ابن فندق، على بن زيد البيهقي. *تاريخ بيهقي*. تقديم و تعليق: محمد قزويني. كتابفروشى فروغى، ۱۳۶۳ش
- امين، سيد محسن. *اعيان الشيعة*. بيروت. دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶.
- آقايبرگ تهراني، محمد محسن. *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*. قم و تهران. اسماعيليان و اسلاميه، ۱۴۰۸.
- بحراني، عبد الله بن نور الله، *عولم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال*. تصحيح: سيد محمد باقر ابطحي. قم. انتشارات مدرسه امام مهدي(عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ۱۴۱۳.
- بغدادى، صفى الدين عبد المؤمن بن عبد الحق بغدادى، *مراصد الاطلاع على اسماء الامكنة و البقاع*. بيروت. دار الجيل، ۱۴۱۲.
- بكرى اندلسى، عبد الله بن عبد العزيز، *معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع*. بيروت. عالم الكتب، ۱۴۰۳.
- جعفریان، رسول. *حيات فكرى و سياسى امامان شيعه*. قم، انصاريان، ۱۳۸۱ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن. [تفصيل] *وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*. تحقيق: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث. قم. مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۹.
- حراني، حسن بن على بن شعبه. *تحف العقول عن آل الرسول*. تصحيح: على اكبر غفارى. قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۴.
- حسينى جلالى، سيد محمد رضا. *تدوين السنة الشريفة*. قم. بوستان كتاب، ۱۴۱۸.
- حسينى قزوينى، سيد محمد و ديكران. *موسوعة الامام الرضا عليه السلام*. قم. مؤسسه تحقيقاتى ولى عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف، ۱۴۲۹.

حسینی قزوینی، سید محمد و دیگران. موسوعه الامام الجواد علیه السلام. قم: مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۱۹.

حموی بغدادی، یاقوت. معجم البلدان. بیروت. دار صادر، ۱۹۹۵م.

_____ . رجال الكشي (اختيار معرفة الرجال). تصحيح: حسن مصطفوی. مشهد. دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.

طوسی، محمد بن حسن. فهرست كتب الشيعة. تصحيح: سيد عبدالعزيز طباطبائي. قم. كتابخانه محقق طباطبائي، ۱۴۲۰.

_____ . تهذيب الأحكام. تصحيح: سيد حسن موسوی خراسان، تهران. اسلاميه، ۱۴۰۷.

عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الرضا علیه السلام. مشهد. آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶.

كفعمی، ابراهيم بن علی عاملی. المصباح (جنته الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية). قم. دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵.

_____ . البلد الأمين والدرع الحصين. بیروت. اعلمی، ۱۴۱۸.

کلینی، محمد بن یعقوب. کافی. تصحيح: علی اکبر غفاری. تهران. اسلاميه، ۱۴۰۷.

مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت. دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳.

موسوی، سید هبه الله بن ابی محمد الحسن، المجموع الرائق من ازهار الحقائق، تحقیق: حسین درگاهی، ۱۴۱۷.

نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشيعة). تصحيح: سيد موسى شبيري زنجانى. قم. جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.

یسری عبدالغنی عبدالله. معجم المعاجم العربية. بیروت. دار الجیل، ۱۹۹۱/۱۴۱۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی